

سر مقاله

جنگ با ایران یا جنگ باتاریخ ایران؟!

ادامه از صفحه یک
درچرایی این بازاریابی تمدنی دولت‌مردان آمریکا به موارد زیر میتوان اشاره داشت :
نخست:در محاسبات اولیه دولت‌مردان آمریکا تصور این بود که ضربات سنگین نظامی، حذف فرماندهان و تخریب زیرساخت‌ها می‌تواند در زمانی کوتاه اراده سیاسی ایران را درهم بشکنند. اما در هر جنگی، میان توانایی وارد کردن ضربه و توانایی تحمیل نتیجه مطلوب فاصله‌ای جدی وجود دارد. قدرت نظامی می‌تواند تأسیسات را هدف قرار دهد، ظرفیت‌ها را کاهش دهد و هزینه‌های سنگینی تحمیل کند؛ اما لزوماً قادر نیست هویت ملی، حافظه تاریخی یا اراده جمعی یک جامعه را تغییردهد.ایران صرفاً مجموعه‌ای از تأسیسات نظامی، مراکز فرماندهی و زیرساخت‌های اقتصادی نیست. این کشور حامل حافظه‌ای تاریخی است که از فراز سلسله‌ها، شکست‌ها، پیروزی‌ها و دگرگونی‌های سیاسی عبور کرده و در شکل‌گیری نوعی احساس تداوم تاریخی نقش داشته است. اگر تصمیم‌گیران آمریکایی به این نتیجه رسیده باشند که مسئله ایران فقط توان موشکی یا ساختار سیاسی آن نیست، بلکه ظرفیت بازتولید هویت و مقاومت ملی نیز در میان است، روی آوردن به زبان تمدنی می‌تواند تلاشی برای توضیح این دشواری باشد.

دوم:وقتی توجیه جنگ در زمان حال دشوار می‌شود، تاریخ به میدان می‌آید. جنگ برای ادامه یافتن، علاوه بر ابزار نظامی، به روایتی نیاز دارد که هزینه‌های آن را برای افکار عمومی قابل تحمل جلوه دهد. دولت‌ها باید توضیح دهند چرا وارد جنگ شده‌اند، چه هدفی را دنبال می‌کنند و چرا شهروندانشان باید هزینه‌های انسانی، اقتصادی و سیاسی آن را بپذیرند. هرچه اهداف اعلامی متغیّرتر و نتیجه جنگ نامطمئن‌تر شود، این نیاز به روایت‌سازی افزایش می‌یابد.

در مورد جنگ با ایران نیز اختلاف میان توجیهات اعلام‌شده و پیامدهای واقعی منازعه، مسئله‌ای مهم است. هنگامی که اهدافی مانند امنیت منطقه‌ای، جلوگیری از تهدید نظامی یا تغییر رفتار سیاسی مطرح می‌شوند، باید بتوان نسبت میان این اهداف و دامنه عملیات نظامی را توضیح داد. ارجاع به چند هزار سال پیش، به‌خودی‌خود هیچ‌یک از این پرسش‌ها را پاسخ نمی‌دهد.

این همین رو، برجسته‌سازی جنگ‌های باستانی کارکردی سیاسی پیدا میکند . در این صورت، به جای آنکه درباره ضرورت، تناسب و پیامدهای جنگ بحث شود، مخاطب به صحنه‌های تاریخی برده می‌شود که در آن، مرز میان خیر و شر از پیش ترسیم شده است. چنین رویکردی نه‌تنه مسئله مشروعیت جنگ را حل نمی‌کند، بلکه آن را پیچیده‌تر میکند.

سوم: تمدنی‌کردن جنگ، راهی برای تغییر تعریف دشمن است. در منازعه سیاسی، دشمنی تعریف‌شده و محدود است ؛دولت، حکومت، ارتش یا سیاستی که می‌توان با آن مقابله کرد، درباره‌اش مذاکره کرد و سرانجام به توافقی برای پایان دادن به اختلاف رسید. اما هنگامی که دشمن به یک تمدن نسبت داده می‌شود، مرزهای منازعه گسترش می‌یابد.

این تغییر زبان، پیامدهای مهمی دارد. اگر جنگ به رویارویی با یک حکومت محدود بماند، تعریف نقطه پایان و توافق بر سر ترتیبات پس از جنگ وجود دارد. اما اگر طرف مقابل به‌عنوان نماینده یک تمدن ذاتاً متخاصم معرفی شود، مصالحه می‌تواند به‌سادگی به عقب‌نشینی در برابر دشمنی تاریخی تعبیر شود.

در چنین چارچوبی، حتی یک توافق سیاسی نیز ممکن است نتواند به‌آسانی فضای دشمنی را پایان دهد؛ زیرا سرچشمه اختلاف نه در تصمیم‌های قابل تغییر، بلکه در هویتی تصویر شده است که گویا از ابتدا با هویت طرف مقابل تاساگاز بوده است.

یکی از دستاوردهای مهم جهان معاصر این بود که مسئولیت سیاسی دولت‌ها را از هویت تاریخی ملت‌ها جدا کند و اجازه ندهد اختلاف امروز به مجوز انتقام از گذشته تبدیل شود.

چهارم: هدف جنگ تمدنی، فقط شکست دادن دشمن نیست؛ بازتعریف اوست. در یک جنگ متعارف، تخریب توان نظامی و تغییر موازنه قدرت می‌تواند هدف اصلی باشد. اما در جنگی که با زبان تمدنی تعریف می‌شود، موضوع فقط کاهش قدرت طرف مقابل نیست؛ بلکه تلاش برای تعیین جایگاه تاریخی او نیز مطرح می‌شود. در این چارچوب، طرف مقابل باید نه‌فقط در میدان نبرد، بلکه در روایت جهانی نیز شکست‌خورده معرفی شود. پیروزی نظامی، اگر به دست آید، ممکن است کافی تلقی نشود؛ شکست فرهنگی، تحقیر تاریخی و سلب اعتبار نیز به اهداف ضمنی تبدیل می‌شوند.

این همان نقطه‌ای است که توهین به یک ملت اهمیت پیدا می‌کند. تحقیر ملت‌ها در ادبیات سیاسی صرفاً مسئله‌ای اخلاقی یا مربوط به آداب دیپلماتیک نیست؛ می‌تواند در ساختن تصویری از دشمن نقش ایفا کند که پذیرش خشونت علیه او را آسان‌تر سازد.

پنجم:تغییر صورت جنگ بخاطر توجیه دامنه پیامدهای جنگ می‌باشد .آمریکا امروز باید پاسخگویی پیامدهای ویرانگر جنگی باشد که اروپا وشرق آسیا و خاورمیانه وآمریکا را دربرگرفته است .

این پاپانی اینکه توهین به ایرانیان وتمدنی

کردن جنگ .امکان پیروزی برای آمریکا فراهم

نمیسازد.وبرعکس زمینه انسجام ایرانیان را نیز فراهم میآورد.

جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ (۹ اسفند ۱۴۰۴) آغاز شد؛ تهاجمی که در پی آن باعث شد، تنگه هرمز مسیر عبور بخش مهمی از نفت جهان عملاً بسته شود و واشگتن نیز در واکنش، محاصره دریایی بنادر ایران را کلید بزند. پس از حدود سه‌ونیم ماه درگیری، دو طرف در خرداد ۱۴۰۵ به یک توافق موقت ۱۴ ماهه‌ای رسیدند که آتش‌بس ۶۰ روزه و زمینه‌سازی برای بازگشایی هرمز را در بر می‌گرفت. اما با سیری شدن مهلت، اختلاف در تفسیر بندها و پافشاری آمریکا بر ادامه فشار، این یادداشت تفاهم عملاً فرو ریخت و بحران انرژی جهانی را نیز به میراث جنگ افزود. اتحادیه اروپا رسماً از خطر «بحران قیمت انرژی» هشدار داده و کشورهای منطقه نگران گسترش دامنه درگیری‌اند.

دیپلماسی نیویورک و شروط هفت‌گانه

کانون دیپلماسی این روزها نیویورک و کانال‌های میانجی است. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، طرح «هفت‌روزه» ایران را برای بازگشایی تنگه هرمز و ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای ارائه کرده است: طرحی که بر اساس گزارش ایرنا، مشروط به رفع فوری محاصره دریایی، کاهش فشار تحریم‌های نفتی و پایبندی به آتش‌بس در لبنان است و به گفته او در صورت پذیرش واشنگتن، مهلت هفت‌روزه از همان لحظه شمارش می‌شود. حسن قشقاوی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز تأکید کرده شروط هفت‌گانه از سوی مراجع عالی نظام ابلاغ شده، قاطع است و تنها تفاوت طرح کنونی با تفاهم‌نامه پیشین، فشرده‌شدن زمان از ۹۰ روز به هفت روز است. موضع رسمی تهران همان است که مقامات بارها تکرار کرده‌اند و قالیاب‌پس از آخرین سفر عاصم منیر به تهران تصریح کرده «حرف جدیدی نداریم؛ آمریکا تنها با اجرای شروط هفت‌گانه می‌تواند به توافق برسد.» در همین حال، پزشکیان با اشاره به ادامه حملات و تحریم‌ها پس از هر دور گفت‌وگو، صراحتاً از اعتمادزایی واشنگتن گفته است.

از محاصره بلندمدت تا تهدید حمله مجدد

در مقابل میز مذاکره، کاخ سفید زبان فشار را گسترده‌تر کرده است. مایک والترز، سفیر آمریکا در سازمان ملل، به‌فایننشال تایمز گفته واشنگتن می‌تواند محاصره بنادر ایران را «برای آینده قابل پیش‌بینی» ادامه دهد و تا حل‌شدن مسئله مواد غنی‌شده، هدف‌هایش محقق نشده است. نشریه اتلانتیک نیز به نقل از مقامات آمریکایی نوشت ترامپ چند روز حمله گسترده تازه با اهدافی چون توان موشکی و پهبادی، زیرساخت انرژی و تأسیسات هسته‌ای را برای پس از انتخابات میان‌دوره‌ای می‌سنجد. روزنامه گاردین هم گزارش داد ایران به هفت کشور خلیج فارس هشدار داده در

۲

«بتکار» تازه‌ترین تحولات تنش میان ایران و آمریکا را بررسی می‌کند

دیپلماسی در تعلیق

گروه سیاسی - هشت ماه پس از آغاز تهاجم آمریکا و رژیم اسرائیل به ایران، مذاکرات از راه میانجی‌ها حول شروط هفت‌گانه تهران و طرح هفت‌روزه بازگشایی تنگه هرمز در جریان است؛ اما کاخ سفید هم‌زمان با تشدید محاصره دریایی، گزینه حمله تازه پس از انتخابات میان‌دوره‌ای را روی میز نگه داشته است.



گرفته تا افزایش بدهی، تورم و کشته‌شدن سربازان آمریکایی؛ و از آن‌ها خواست «اتریکس ساختگی» را در هم بشکنند. قشقاوی نیز با اشاره به محدودیت زمانی واشگتن و تشدید اختلافات میان جمهوری‌خواهان، خاطرنشان کرده آمریکا معمولاً «زیر میز مذاکره می‌زند» و به همین دلیل تهران بر اجرای مکتوب تعهدات اصرار دارد.

میانجی‌ها و پرونده هسته‌ای

قطر و پاکستان نقش اصلی میانجی‌گری را بر عهده دارند؛ ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان هفته گذشته در تهران با مقام ارشد امنیتی ایران دیدار و گفت‌وگو کرد. روسیه نیز ابتکار تازه‌ای برای کاهش تنش در خلیج فارس اعلام کرده است. اما پرونده هسته‌ای همچنان کره اصلی است: ترامپ از «صفر غنی‌سازی» سخن می‌گوید، در حالی که تهران بر حق غنی‌سازی در چارچوب ان‌پی‌تی تأکید می‌کند. بر اساس گزارش الجزیره، حتی در کاخ سفید هم نشانه‌هایی از

انعطاف دیده می‌شود و معاون رئیس‌جمهور ظاهراً در نشست‌های درون‌دولتی درباره جزئیات رژیم هسته‌ای مایه گذاشته است؛ نشانه‌ای که به تعبیر تحلیلگران، از هزینه‌بر بودن ادامه جنگ برای واشگتن حکایت دارد.

توپ در زمین آمریکا

معادله کنونی دو پایه دارد: از یک‌سو تهران با حفظ اهرم تنگه هرمز و اصرار بر اجرای شروط هفت‌گانه، دیپلماسی را به آزمون عملکرد واشگتن بدل کرده است؛ از سوی دیگر کاخ سفید میان انگیزه جنگ‌طلبی هوادارانش و هزینه سیاسی تشدید امنیتی ایران دیدار و گفت‌وگو کرد. روسیه نیز هشت‌ماهه نشان داده فشار نظامی و محاصره، نه تنگه را گشوده و نه مقاومت را شکسته است؛ اتفاقاً هزینه انرژی و اعتبار سیاسی‌رایبرای آمریکا سنگین‌تر کرده. اکنون انتخاب شفاف است: اجرای تعهدات و پایان محاصره، یا ماندن در بن‌بست تا زمانی که تقویم انتخاباتی خودش پاسخ را بدهد.

ایالات متحده کشورهای دیگر را تحت فشار قرار داده تا با ایران وارد معامله نشوند و مسیرهای زمینی ما را نیز مسدود کند؛ اما با وجود فشارها، گفت‌وگوها پیش می‌رود.

تفاهم‌نامه با آمریکا و پیام صریح به واشگتن

رئیس‌جمهور درباره تفاهم‌نامه ایران و آمریکا گفت: تفاهم‌نامه خوبی بود و دستاوردهای زیادی برای کشور داشت: اکثریت اعضای شورای عالی امنیت ملی به آن رأی دادند و فرماندهان ارتش، سپاه و نیروی هوافض، قوه قضائیه، مجلس و دولت همگی بر آن توافق کرده بودیم. او با انتقاد از عهدشکنی طرف مقابل تصریح کرد: هنوز حتی یک ماه هم نگذشته که می‌گوید امضای خود را قبول ندارم؛ همان‌گونه که پیش‌تر در برجام چنین شد؛ انسان نباید پیمان ببندد، اما اگر بست باید تا پایان به آن پایبند بماند.

پزشکian شرایط کنونی را نه برای ما مطلوب دانست و نه برای آن‌ها و تأکید کرد: آن‌ها باید حقوق ملت ایران را به رسمیت بشناسند و از زورگویی و تجاوز دست بردارند تا بتوان کنار هم نشست و گفت‌وگو کرد؛ نمی‌شود همه راه‌ها را مسدود و تهدید کرد و هم‌زمان از مذاکره سخن گفت. او با اشاره به نیت اعلامی ترامپ برای تصاحب نفت گاز ایران همانند منابع ونزوئلا، خیال تجزیه ایران را پس از به شهادت رساندن قائد عظیم‌الشأن انقلاب، خام خواند و اطمینان داد: به حول و قوه الهی شب خواهد گذشت و صبح روشن طلوع خواهد کرد.

گاز و برق صنعت و انسجام ملی

رئیس‌جمهور حفظ پایداری گاز و برق صنعت را از اولویت‌های دولت برشمرد و گفت: به‌هیچ‌وجه اجازه نمی‌دهیم گاز و برق مورد نیاز تولید قطع شود؛ در بخش‌های نیازمند اصلاح، اصلاح می‌کنیم و در جایی که لازم باشد محدودیت اعمال می‌شود، اما چرخه تولید باید ادامه یابد. او حفظ انسجام ملی و حضور همگان در صحنه را لازمه عبور از این وضعیت دانست و خاطرنشان کرد هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند به‌تنهایی مشکلات را حل می‌کند؛ ما نیز به کمک مردم نیاز داریم.

همچنان ایستادگی خواهیم کرد؛ ایران هیچ‌گاه به دنبال جنگ نبوده و نیست، اما زیر بار زور و قلدری نیز نخواهد رفت؛ رویکردی که ریشه در فرهنگ، باورها و اعتقادات ما دارد. پزشکian با یادآوری سیاست رهبر شهید انقلاب درباره ضرورت خروج از وضعیت «نه جنگ و نه صلح» به‌عنوان بدترین شرایط، گفت: در دیدار با ایشان، دستور دادند بروید و مسئله را حل کنید و در آخرین پیام درباره این گفت‌وگوها تأکید کردند مسئله را به‌طور کامل حل کنیم. او با ابراز انزجار از پاسخ دشمنان به این مسیر، خاطرنشان کرد: دشمنان رهبر عزیز انقلاب، فرماندهان و دو تن از وزرای دولت را به شهادت رساندند و دانشمندان و دانش‌آموزان ما را هدف گرفتند تا کشورمان را ساقط کنند؛ اما ملت ایران با عزت و قدرت ایستاد، گلابه‌ها را کنار گذاشت و دست به دست هم داد.

دولت در کنار تولید و صادرات

رئیس‌جمهور رفع موانع تولید و صادرات را دغدغه مشترک و اصلی مسئولان کشور — از قوه قضائیه تا مجلس — دانست و گفت: از گام نخست، با واگذاری اختیارات به مدیران منطقه‌ای و حذف مقررات دست‌وپاگیر، مشکلات را از سر راه صادرکنندگان برداشтим و در جنگ نیز همین اختیارات را به استانداران و وزرا سپردم. او به بیش از هفت‌ماهه حضور مردم در میدان‌های حفاقت امنیت اشاره کرد و گفت دشمنان زیرساخت‌های امنیتی و نظامی را هدف گرفتند و از داخل و خارج مسیرهای ارتباطی کشور را می‌بندند، اما دولت هر مسیر قابل بازگشایی را دنبال می‌کند و نشست‌های منظم با اتاق بازرگانی و قوه قضائیه نیز در همین راستاست.

از تجارت دریایی تا شانگهای و بریکس

پزشکian با اشاره به سهم بیش از ۷۵ درصدی مسیرهای دریایی در تجارت ایران گفت: با بسته شدن این مسیرها، سهم تجارت دریایی به ۲۵ درصد رسیده است؛ صادرات را از مسیرهای دیگر دنبال می‌کنیم هرچند هزینه‌های سرباری دارد. او تعامل با سازمان همکاری شانگهای، بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا را در دستور کار دولت توصیف کرد و افزود: این واقعیت پوشیده نیست که

سیاست روز

خبر

در بیانیه نمایندگی ایران در وین مطرح شد

سکوت معنادار آزانس



نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل در وین، در هفتادمین سالگرد تصویب اساسنامه آزانس بین‌المللی انرژی اتمی، در بیانیه‌ای انتقادی از اسناداردهای دوگانه و سکوت نهادهای حاکم آزانس در قبال تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران گلایه کرد و تأکید نمود آزانس صرفاً یک سازمان «ناظر» نیست.

بیانیه ایران با اشاره به تصویب اساسنامه آزانس در ۲۳ اکتبر ۱۹۵۶ می‌گوید هفتاد سال پس از این رویداد، یک ارزیابی بنیادین درباره میزان پایبندی آزانس به اصول و اهداف سند تأسیس ضروری است. بنابراین این سالگرد باید چیزی بیش از فرصت گرامیداشت باشد؛ لحظه‌ای برای تفکر انتقادی، پاسخگویی نهادهی و تعهدی دوباره به اجرای کامل، بی‌طرفانه و بدون تبعیض اساسنامه. در این بیانیه آمده است: هرچند اجرای اساسنامه در هفت دهه گذشته دستاوردهایی داشته، اما ناکامی در اجرای کامل، منسجم، مؤثر و بدون تبعیض آن در قبال تمامی کشورهای عضو، آزانس را از هدف و اولویت‌های اصلی‌اش دور کرده، اصول حاکم بر عملکردش را تضعیف نموده و اقتدار و اعتبارش را خدشده‌دار ساخته است. بر پایه بیانیه، واقعیت غیرقابل انکار این است که اساسنامه «قانون اساسی» آزانس است، آن را بر اساس منافع کشورهای قدرتمند تفسیر

ایران با استناد به ماده ۲ اساسنامه (تسریع و افزایش سهم انرژی اتمی در صلح، سلامت و رفاه جهان) و بندهای ماده ۳ (تشویق کاربردهای صلح‌آمیز و تخصیص منابع با توجه به نیازهای کشورهای در حال توسعه) تأکید می‌کند پادمان‌ها تنها بخشی از مأموریت آزانس است و توصیف محدود و باالنگیزه سیاسی از این نهاد به‌عنوان یک سازمان صرفاً «ناظر»، مأموریت آن را تحریف کرده و اولویت‌هایش را از هدف قانونی‌اش منحرف می‌سازد. به تعبیر بیانیه، راستی‌آزمایی نباید همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، توسعه و حقوق مشروع کشورهای عضو را تحت‌الشعاع قرار دهد. بیانیه با استناد به قسمت ج ماده ۴ (استواری آزانس بر برابری حاکمیتی اعضا)، قسمت ج ماده ۳ (منع مشروط‌کردن کمک‌ها به شرایط سیاسی و نظامی) و قسمت د ماده ۴ (رعایت حقوق حاکمیتی) تصریح می‌کند این مقررات نه اختیاری‌اند و نه تابع محاسبات ژئوپلیتیک. تفاوت روشن این تبعیض، تفاوت فاحش میان نظارت‌های گسترده بر ایران و فقدان پادمان جامع بر تمامی فعالیت‌های هسته‌ای رژیم اسرائیل است که همچنان خارج از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) باقی مانده است. ایران راستی‌آزمایی جامع و بدون تبعیض در سراسر خاورمیانه را مطالبه‌ای مشروع و هدف دیرینه کشورهای منطقه‌ای عضو NPT خوانده است.

بر اساس بیانیه، فشارهای سیاسی و رقابت‌های ژئوپلیتیک نباید مانع همکاری‌های مشروع علمی شوند یا دسترسی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را به امتیازی مختص چند کشور منتخب تبدیل کنند؛ از آزانس انتظار می‌رود از یکپارچگی مأموریت همکاری‌های فنی خود دفاع و منصفانه بودن برنامه‌هایش برای همه اعضا را تضمین کند. بخش پایانی بیانیه، حملات نظامی ایالات متحده و رژیم اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ را نقض‌های جدی و مادی قواعد آمره حقوق بین‌الملل در ممنوعیت تجاوز و چالشی خطرناک برای ایمنی و امنیت هسته‌ای و اعتبار آزانس توصیف می‌کند. هرچند کنفرانس عمومی و شورای حکام بارها تصویب کرده‌اند که حمله مسلحانه به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز نقض منشور ملل متحد و اساسنامه آزانس است، نهادهای حاکم و دبیرخانه در صدور حتی یک بیانیه ساده برای محکومیت تجاوز ناکام مانده‌ند؛ اقدامی که در تاریخ آزانس بی‌سابقه است. بیانیه در پایان تأکید می‌کند آزانس نمی‌تواند هم‌زمان از یکپارچگی پادمان‌ها دفاع کند و حملات به تأسیسات تحت پادمان را نگرانی ثانویه بپندارد؛ پس باید صراحتاً اعلام نماید که حمله به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز، غیرقانونی و غیرقابل قبول است و تحت هیچ بهانه‌ای نباید تحمل شود.

وزیر اقتصاد برای پاسخگوی به مجلس می‌رود

مشتک چالشی مدنی‌زاده



سه سناریو برای مسیر دلار تا پایان سال را پیش‌بازار گذاشته و متغیر تعیین‌کننده همه آن‌ها پیرون از خزانه است: سرنوشت مذاکرات و اجرای شروط هفت‌گانه، کشایش تنگه هرمز و مسیرهای تجاری، و شدت فشار تحریم ثانویه. در سطح سیاست داخلی نیز مسیر روشن‌تر است: انضباط مالی، مهار رشد پایه پولی، بازار متشکل ارزی و شفافیت داده‌ها. سوال این هفته آزمون اول است؛ استیضاح، ابزار سنگین‌تر نظارتی که در صورت تکرار جهش‌ها احتمال فعال‌شدنش جدی است.